خبرها

کروبی: با آرایش جدید می آییم

ایسنا: دفتر حزب اعتماد ملی در قم با حضور «مهدی کروبی» دبیرکل این حزب گشایش یافت. قم دومین شهری است که دفتر حزب اعتماد ملی در آن افتتاح می شود. کروبی در حاشیه این مراسم سیاست حزب اعتماد ملی را «همراهی و همگرایی با گروه های همفکر» خواند و گفت: «به تقویت همه افراد معتقد هستیم اما با افرادی با آرایش جدید کار می کنیم.» کروبی درباره سیاست سکوت حزب متبوعش در قبال دولت جدید گفت: «این سکوت همیشگی نخواهد بود. دلیل آن روی کار آمدن دولت جدید با برنامه ها و موضعگیری های خودش است که به نظر می رسد با عدم اظهارنظر هم مانع کار آنها نشویم و هم بهانه به دست آنها ندهیم.» کروبی درباره حضور بانوان در مجلس خبرگان نیز گفت: وقتی بانوان در کابینه و مجلس شورای اسلامی و شورای انقلاب فرهنگی حضور دارند، طبیعی است که باید در خبرگان هم حضور داشته باشند.

اعتراض کاشفی به اظهارات حداد عادل

آفتاب: معاون دبیرکل جبهه مشارکت با انتقاد از اظهارات رئیس مجلس در هشتمین مجمع عمومی حزب موتلفه اسلامی گفت: «چگونه می توان از آزادی احزاب گفت و از عملکرد آنها انتقاد کرد در حالی که حزب مشارکت از داشتن یک روزنامه هم محروم است.» «حسین کاشفی» در حاشیه مراسم مجمع عمومی حزب موتلفه اظهار داشت: «تاکید بر اهمیت تحزب حرف درستی است و ما هم به همین علت می گوییم که حتی باید به احزاب مخالف هم مجوز فعالیت داد.» وی افزود: «اگر آقای حداد به استفاده نکردن احزاب از آزادی و دموکراسی موجود در کشور معتقدند پس چرا زمینه تصویب یارانه احزاب در بودجه امسال را به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی فراهم نکردند؟» کاشفی تاکید کرد: «مسئولان باید زمینه و بستر فعالیت احزاب را فراهم کرده و مشکلات آنان را حل کنند.»

مجلس هفتم با شورای نگهبان فرقی ندارد

ایسنا: «محمدرضا باهنر» دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با اشاره به نگرانی اصلاح طلبان از نظارت شوراها توسط شورای نگهبان گفت: «نباید این نگرانی وجود داشته باشد زیرا مهم قانون و نحوه نظارت بر شوراها است، معنای دیگر این نگرانی این است که اگر ناظر، مجلس باشد به نفع اصلاح طلبان خواهد بود در حالی که از نگاه اصلاح طلبان مجلس هفتم همان اتهام به شورای نگهبان وارد است و به لحاظ فکری از نظر اصلاح طلبان، مجلس هفتم با شورای نگهبان و قوه قضاییه فرقی نمی کند لذا این سیاست راهبردی که در قانون انتخابات شوراها مطرح است، دست را بازتر گذاشته است.»

چمران پدر معنوی آبادگران

ایلنا: «حسن بیادی» سخنگوی جمعیت آبادگران جوان در پاسخ به سئوالی مبنی بر اینکه «چرا چمران دیگر در تریبون ها به عنوان عضو موثر جمعیت صحبت نمی کند؟» گفت: «چمران هنوز هم سخنگوی ائتلاف آبادگران است و با جمعیت ارتباط دارد و به نوعی پدر معنوی آبادگران جوان محسوب می شود و در جهت راهنمایی ما کار می کند.» وی در پاسخ به سئوالی مبنی بر اینکه شنیده می شود دوستان شما در شورای شهر در دوره جدید شرکت نخواهند کرد و به عنوان سفیر به برخی از کشورها اعزام خواهند شد، گفت: من از این موضوع اطلاعی ندارم.

توصیه های جامعه روحانیت به مجمع روحانیون

آفتاب: در پی سخنان اخیر «سیدمحمد خاتمی» رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبنی بر اینکه «قصد شرکت در انتخابات های آتی را داریم مگر آنکه شرایط به نحوی باشد که برای کسانی که همفکر ما و نماینده ما هستند، امکان حضور وجود نداشته باشد»، «غلامرضا مصباحی مقدم» سخنگوی جامعه روحانیت گفت: «اصولاً باید سعی دوستان ما در مجمع روحانیون این باشد که کسانی را کاندید کنند که از نظر علمی صلاحیت داشته باشند و سوابق علمی آنها و تالیفات آنها به گونه ای باشد که جای ایراد و اشکال نداشته باشد. علاوه بر این کسانی را کاندید نکنند که قبلاً محکومیت یا پرونده داشتند، حتی اگر در محاکم قضایی محکوم نشده اند، که به هر حال زمینه را برای احراز صلاحیت نامساعد می کند.» وی گفت: «اگر چنین کاری صورت بگیرد مطمئن باشند شورای نگهبان بنای برخورد غیرمنطقی ندارد.»

افزایش اقتدار ملی در دولت احمدی نژاد

ایلنا: «سیدمرتضی نبوی» قائم مقام دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین پس از پایان نشست واحد سیاسی این تشکل گفت: «در دولت احمدی نژاد وحدت و همبستگی ملی بیشتری بین مردم و مسئولان برقرار شده و اقتدار ملی افزایش یافته است.» وی افزود: «نامه آقای احمدی نژاد به بوش، موضع نظام جمهوری اسلامی ایران و موضع ملت ایران، عراق، افغانستان و ملت های منطقه و جهان است. این نامه برخاسته از وحدت و همبستگی ملی و حرف دل ملت و مسئولان نظام جمهوری اسلامی است. رئیس جمهور از مردم است و همگام با سایر مسئولان کشور در مسیر سیاست هایی که مقام معظم رهبری ترسیم فرموده اند، حرکت می کنند.»

واکنش به انفجارهای کرمانشاه

ایسنا: جبهه متحد کرد با صدور بیانیه ای انفجارهای اخیر کرمانشاه را محکوم کرد. در این بیانیه با بیان اینکه «هر زمان که دیدار مسئولی کشوری از مردم مناطق کردنشین نزدیک می شود، با رخدادی مذبوحانه و ضدمردمی، امنیت و آرامش زندگی آنها مخدوش می شود» آمده است: «در این بین اگر قرار باشد امری از امور نابسامان منطقه سامان گیرد و یا حقی از حقوق پایمال شده مردم بازیابی شود، انجام نمی شود و انتظار مردم به یاس تبدیل می شود تا آبی شود به آسیاب بیگانگان.» در ادامه این بیانیه با اشاره به اینکه «حادثه انفجار دو بمب صوتی در کرمانشاه عزیز و رنج دیده، نخستین حادثه از این دست نیست» آمده است: «هیات موسس جبهه متحد کرد این واقعه تاسف بار و هر گونه خشونت از هر سویی را به شدت محکوم می کند. امیدواریم مصدومان این رخداد به زودی تندرستی خود را بازیافته و مردم عزیز آن دیار شکیبایی خود را حفظ کنند.»

چشم انداز اولیه در انتخابات خبرگان شکل می گیرد

هاشمی و مصباح؛ موضوع تصمیم گیری ها

علی جنتی و محمدتقی مصباح یزدی

اکبر هاشمی رفسنجانی و علی مشکینی. عکس ها: رضا معصرزادیان شرق

گروه سیاسی، محمدجواد روح: با فاصله چند روز پس از اعلام رسمی زمان انتخابات مجلس خبرگان، بحث های اولیه درباره چند و چون برگزاری این انتخابات آغاز شده است. انتخابات خبرگان رهبری قرار است ۲۶ آبان ماه برگزار شود. در این زمینه، تشکل های روحانی دو جناح میداندار اصلی رقابت شده اند. هفته گذشته «غلامرضا مصباحی مقدم» سخنگوی جامعه روحانیت مبارز و «عبدالواحد موسوی لاری» عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز اعلام کردند که لیست های انتخاباتی تشکل های روحانی دو جناح آماده و در حال نهایی شدن است. جامعه روحانیت لیست خود را با هماهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم تهیه کرده است. این کار طبق اعلام اعضای این دو تشکل با سابقه جریان راست سنتی، در کمیسیون مشترکی با حضور نمایندگانی از دو طرف صورت گرفته است. در اقدامی مشابه، مجمع روحانیون مبارز هم فهرست انتخاباتی روحانیون اصلاح طلب را با همکاری مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قدم دیگر تشکل روحانی اصلاح طلب آماده کرده است. با این حال، هر دو جناح در باره دو نامزد تاثیرگذار و نیروهای پیرامونی آنها در حال تصمیم گیری هستند و به نظر می رسد آرایش سیاسی انتخابات خبرگان زمانی روشن می شود که این تصمیم گرفته شده باشد. این دو نامزد عبارتند از: «اکبر هاشمی رفسنجانی» و «محمدتقی مصباح یزدی».

■ **دلیل پیچیدگی تصمیم**

اما دلیل پیچیدگی تصمیم درباره این دو نامزد شاخص انتخابات خبرگان چیست؟ این پرسش آنگاه بیشتر مجال طرح می یابد که توجه شود هم هاشمی و هم مصباح یزدی دارای ارتباط تشکیلاتی با تشکل های درگیر در انتخابات خبرگان هستند. هاشمی رفسنجانی از پایه گذاران و اعضای شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران است و مصباح یزدی در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم عضویت دارد. با این حال، جامعه روحانیت مبارز عملاً نسبت به اینکه تنها هاشمی رفسنجانی را در فهرست خود بگذارد و از کنار نام مصباح یزدی و شاگردان وی بی تفاوت بگذرد، ناتوان است. چرا که عملاً در اثر تحولات درونی جبهه راست در سال های اخیر، طیف رادیکال به جریان های سنتی هژمونی پیدا کرده و در نتیجه تشکل های سنتی نمی توانند تصمیمی مستقل از خواست رادیکال ها بگیرند. چنانکه در انتخابات مجلس هفتم، تشکل های باسابقه ای چون حزب موتلفه نه تنها نتوانستند در تهیه لیست انتخاباتی جریان راست نقش اصلی را ایفا کنند، بلکه ناچار شدند نامزدهای شاخص خود چون «حبیب الله عسگراولادی»، «علی اکبر پرورش»، «محمدنبی حبیبی» و «اسدالله بادامچیان» را از عرصه انتخابات خارج سازند تا نیروهای جوان و کمتر شناخته شده ای از تشکل هایی چون جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و بسیج دانشجویی تحت عنوان «آبادگران» راهی مجلس هفتم شوند. از این رو است که پیش بینی می شود در انتخابات آتی خبرگان هم جامعه روحانیت نتواند به طور مستقل و یا با جلب حمایت نیروهای سنتی و باسابقه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، فهرست انتخاباتی جریان راست را تدارک ببیند، بلکه این جریان جوان و رادیکال جناح راست تحت مدیریت مصباح یزدی است که تصمیم اصلی را در این باره می گیرد. چنانکه هفته گذشته و پس از آنکه سخنگوی جامعه روحانیت اعلام کرد که در فهرست انتخاباتی این تشکل برای انتخابات خبرگان هم هاشمی و هم مصباح یزدی حضور خواهند داشت، نشریه ارگان مصباح به خاطر دعوت از هاشمی، جامعه روحانیت مبارز را مورد انتقاد قرار داد. از آن سو، هاشمی رفسنجانی نیز مدت ها است دیگر چندان همراهی و پایبندی به جامعه روحانیت نشان نمی دهد و حال که در جریان راست عملاً طیف سنتی تحت تاثیر جریان های رادیکال قرار گرفته، همراهی هاشمی با این جناح به نوعی در تضاد با سنت میانه روی و اعتدال وی به نظر می رسد. از این رو است که در هفته های اخیر، اخباری مبنی بر نزدیک شدن هرچه بیشتر طیف هاشمی رفسنجانی به اصلاح طلبان در انتخابات آتی خبرگان منتشر شده است. حضور «حسن روحانی» از یاران نزدیک هاشمی در نشست هفته گذشته شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز آشکارترین نشانه در این زمینه بود. همچنان هادی قابل از اعضای شورای مرکزی جبهه مشارکت اعلام کرد که در صورت حضور هاشمی در انتخابات خبرگان، این حزب از وی حمایت خواهد کرد. نقطه اوج همراهی اصلاح طلبان با هاشمی رفسنجانی اما اظهارات «سیدمحمد خاتمی» رئیس جمهوری پیشین و رئیس شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز بود که هفته گذشته در جریان بازدید خود از نمایشگاه مطبوعات بر ضرورت حضور هاشمی در انتخابات آتی خبرگان تاکید کرد. بدین ترتیب، به نظر می رسد هاشمی رفسنجانی گرچه از نظر تشکیلاتی در جامعه روحانیت مبارز حضور دارد، اما احتمال کاندیداتوری وی از سوی تشکل رقیب یعنی مجمع روحانیون مبارز و نیز دیگر گروه های اصلاح طلب بیشتر است. مگر آنکه برخی گمانه زنی های بعید محقق شود و جامعه روحانیت و مجمع روحانیون در جهت مقابله با جریان تازه نفس و قدرت گرفته حامی مصباح یزدی به نوعی ائتلاف انتخاباتی دست بزنند و حول هاشمی رفسنجانی متحد شوند.

■ **ردصلاحیت ها و توصیه ارگان مصباح**

دراین حال، بحث دیگر مربوط به انتخابات خبرگان نیز در فضای سیاسی پررنگ شده است. این بحث، همان موضوع قدیمی ردصلاحیت نامزدهای خبرگان است که بیش از ۱۵ سال است در هر دوره انتخابات خبرگان محل مشاجره لفظی، حقوقی و فقهی دو جناح سیاسی است و البته در نهایت، طبق برنامه و خواست جریان محافظه کار پیش می رود. در تازه ترین بحث ها در این زمینه، «سیدمحمد خاتمی» هفته گذشته نسبت به رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلب در انتخابات خبرگان هشدار داد و گفت که در صورت ردصلاحیت نامزدهای مجمع روحانیون، این تشکل در انتخابات شرکت نخواهد کرد. در دوره پیشین انتخابات خبرگان هم مجمع روحانیون به علت رد شدن نامزدهایش فهرست انتخاباتی ارائه نکرد اما در کنار این بحث همیشگی درخواستی هم از سوی نشریه «پرتوسخن» در هفته گذشته خطاب به شورای نگهبان مطرح شد که ابعاد موضوع ردصلاحیت ها را به شکلی شگرف گسترده کرده است. این نشریه در مطلبی با نسبت دادن برخی ویژگی های منفی به برخی روحانیون شاخص خواستار ردصلاحیت آنها در انتخابات خبرگان شد. این نشریه البته نام این افراد را ذکر نکرد، اما سایت «فردا» با اشاره به محتوای یادداشت نوشت که ارگان مصباح خواستار ردصلاحیت هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و حسن روحانی شده است. به گزارش سایت فردا نویسنده نشریه «پرتو سخن» بدون نام بردن از اکبر هاشمی رفسنجانی «کسانی که عملکرد آنها در گذشته موجب شکاف بیشتر طبقاتی شده و در سایه مدیریت شان معدود افرادی به آلاف و الوف دست یازیده و از رانت های فامیلی بهره مند شده اند» را فاقد صلاحیت برای حضور در مجلس خبرگان دانسته است. این نشریه سپس با شورای نگهبان در مورد تائید این افراد هشدار داده و گفته است اگر این شورا مصلحت اندیشی نکند، «برخی از کسانی که اکنون در مجلس خبرگان از جایگاه ویژه ای برخوردارند» ردصلاحیت شده و در مجلس خبرگان بعدی حضور نخواهند داشت. «فردا» در این زمینه یادآور شد که در حال حاضر هاشمی رفسنجانی نایب رئیس مجلس خبرگان رهبری است. نشریه موسسه آیت الله مصباح یزدی همچنین «کسانی که با سیاست های نادرست و منفعلانه خود موجب تعلیق کلیه مراحل فناوری هسته ای صلح آمیز شده اند» (حسن روحانی) را فاقد بینش سیاسی و اجتماعی دانسته و از این رو فاقد صلاحیت برای انتخابات خبرگان معرفی کرده است. نویسنده سپس بدون نام بردن از محمد خاتمی به سبب آنچه «هزینه بیت المال مسلمین در راه ترویج بی بند و باری و فساد اخلاقی» خواند، وی و دیگر روحانیون اصلاح طلب را دارای سوءسابقه و در نتیجه فاقد صلاحیت برای شرکت در انتخابات خبرگان دانسته است. این در حالی است که خاتمی بارها عدم تمایل خود را به شرکت در این انتخابات اعلام کرده است. نویسنده ملاک تائید صلاحیت افراد را شرایط حال آنها دانسته و تاکید کرده افرادی که در گذشته شرایط خبرگان را داشته و چه بسا مورد تائید امام و رهبری نیز بوده اند اما اکنون شرایط لازم را ندارند فاقد صلاحیت بوده و باید توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شوند.

■ **واکنش ها به پیشنهاد نشریه پرتو**

این مطلب با اعتراض «رسول منتجب نیا» عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز مواجه شد به طوری که در واکنش به نوشته نشریه پرتو گفت: «کسانی که به امام تهمت می زنند که امام جمهوریت را قبول نداشت باید در انتخابات خبرگان ردصلاحیت شوند.» منتجب نیا به سایت آفتاب گفت: «آنها دوست دارند اشخاص نامبرده ردصلاحیت شوند اما مرجع تائید صلاحیت نامزدهای انتخابات خبرگان آنها نیستند.» اظهارات منتجب نیا هم در جای خود واکنش «محسن غرویان» از شاگردان مصباح را برانگیختوی در گفت وگو با ایلنا در واکنش به برخی اظهارات مبنی بر اینکه «اگر افرادی به جمهوریت نظام اعتقاد ندارند، باید رد صلاحیت شوند.» گفت: «این افراد منظورشان با ما است اما اگر آنها توانستند این مسئله را که ما به جمهوریت اعتقاد نداریم، ثابت کنند ما تمام حرف هایی را که تاکنون زده ایم پس خواهیم گرفت.» وی افزود: «منظور ما از این بحث ها این است که مردم در مشروعیت نقش ندارند بلکه در مقبولیت نظام موثرند و این مسئله با انتقاد به جمهوریت منافاتی ندارد.» غرویان در پاسخ به سئوالی مبنی بر اینکه «آیا نشریه پرتو خواستار ردصلاحیت اکبر هاشمی رفسنجانی، حسن روحانی و سیدمحمد خاتمی شده است؟» گفت: «در نشریه اسم هیچ فردی ذکر نشده است اما ملاک هایی ذکر شده است که با خواندن آن ملاک ها، خواننده استنباط می کند که این سه نفر مدنظر قرار دارند اما به طور قانونی ملاک شورای نگهبان است و نظر نهایی را این شورا خواهد داد.» غرویان در مصاحبه دیگر با سایت آفتاب هم به اظهار نگرانی خاتمی درباره ردصلاحیت پاسخ داد و گفت: «حرف آخر را در تائید صلاحیت نامزدی های انتخابات خبرگان شورای نگهبان می زند.» وی با بیان اینکه «طبق قانون باید کاندیداهای مجلس خبرگان در امتحان شورای نگهبان شرکت کنند»، گفت: «اگر آقای خاتمی و دیگران این شرط را احراز کرده اند یا می خواهند در این مسیر حرکت کنند به نظر منع قانونی ندارد.» به نظر می رسد با این اظهارات باید انتظار تشدید مشاجرات لفظی درباره انتخابات خبرگان در روزهای آینده را داشت. مشاجراتی که از دل آنها میزان جدی بودن رقابت های انتخابات آتی مشخص می شود.

خلاصه گزارش

۱- پیش بینی می شود در انتخابات آتی خبرگان هم جامعه روحانیت نتواند به طور مستقل و یا با جلب حمایت نیروهای سنتی و باسابقه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، فهرست انتخاباتی جریان راست را تدارک ببیند، بلکه این جریان جوان و رادیکال جناح راست تحت مدیریت مصباح یزدی است که تصمیم اصلی را در این باره می گیرد.
۲- هاشمی رفسنجانی گرچه از نظر تشکیلاتی در جامعه روحانیت مبارز حضور دارد، اما احتمال کاندیداتوری وی از سوی تشکل رقیب یعنی مجمع روحانیون مبارز و نیز دیگر گروه های اصلاح طلب بیشتر است.
۳- سایت «فردا» با اشاره به محتوای یادداشت شماره اخیر نشریه پرتو سخن نوشت که ارگان مصباح خواستار ردصلاحیت هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی و حسن روحانی شده است.

درس هایی از تاریخ برای دموکراسی خواهان

سینا مالکی

فکر راه اندازی جبهه دموکراسی خواهی شباهت های بسیاری به تجربه نهضت ملی ایران دارد. زمانی که نهضت مقاومت ملی شکل گرفت. گروهی از مبارزان دوران نهضت ملی گردهم آمدند و نهضت مقاومت ملی ایران را بنیان نهادند. تمام نیروهای حاضر در دوران دکتر مصدق که تا آخرین لحظه نیز از حمایت از او دست نکشیده بودند، از مذهبی و غیرمذهبی، از بازاری و استاد دانشگاه تا دانشجو و جوان و زن و مرد، در کمیته های مختلف نهضت مقاومت ملی ایران شرکت داشتند. پیش از آن نیز چنین همگرایی را در جبهه ملی اول دیده بودیم. همراه با کوله بار تجربیات مبارزه در این نهضت، رهبران نهضت مقاومت ملی گردهم آمدند تا جبهه ملی دوم را در آستانه انتخابات مجلسی که دکتر امینی، نخست وزیر وقت، ادعا داشت آزاد و با حضور همه احزاب برگزار خواهد کرد، تشکیل دهند. اما این بار حزب ایران و در راس آن شادروان الهیار صالح و دکتر کریم سنجابی ساز مخالف کوک کردند و گفتند احزاب باید خود را منحل کنند و اعضا به صورت فردی و مستقل در جبهه حاضر شوند. نوک تیز حمله نیز متوجه حضور نهضت آزادی و نیروی سوم، سوسیالیست های منشعب از حزب توده به دبیری خلیل مکی بود. استدلال آنان این بود که حضور احزاب به یکپارچگی جبهه ملی لطمه می زند. اما وقایع و مخالفت های بعدی نشان از آن داشت که اختلافات عقیدتی با این دو حزب، یعنی مذهبی بودن نهضت آزادی و یا سوسیالیسم از نوع نیروی سوم، عامل اصلی مخالفت ها بود. دانشجویان نیز با این امر مسئله داشتند، نامه ها نوشته شد به دکتر مصدق تبعیدشده در احمدآباد و او نیز با چنین روش جدیدی در تشکیل جبهه ملی مخالف بود. جبهه ملی دوم اندکی پس از تشکیل به دلیل اختلافات و شکست های سیاسی، بدون مفهوم شد و در نتیجه فروپاشید. این تجربه دیگر بار در جبهه ملی سوم تکرار شد. اما تجربه های تلخ جبهه ملی و روش های پیش گرفته در آن، تنها محدود به از دست دادن رهبری سیاسی مخالفین ایرانی نبود. از آنجا که این جبهه قائم به افرادی شد که اغلب آنها دوران بزرگسالی را طی می کردند، گردش نخبگان که نیاز به تشکیلات مدرن و قوی آموزشی داشت، رخ نداد و در این بین احزاب حاضر در این جبهه نیز آنچنان ضعیف شدند، که دیگر کمتر خاطره ای از آنها در ذهن ها باقی است. حزب ایران نیروی محوری جبهه ملی عملاً از صحنه سیاسی ایران خارج شده است و دیگر حزب این گروه یعنی حزب ملت ایران، با مرگ شادروان داریوش فروهر عملاً از نمایندگی هرگونه پایگاه اجتماعی محروم مانده است.

دوران هشت ساله اصلاحات همراه با تمام خاطرات نوستالژیکش به پایان رسید. از روزی که دکتر معین پس از رد صلاحیت اولیه در انتخابات نهم، از تشکیل جبهه ای فراگیر حول محور دموکراسی خواهی و حقوق بشر سخن گفت، تا امروز که منشور نهایی این جبهه تهیه و تدوین شده است، حدود یک سال می گذرد. جبهه مشارکت، نهضت آزادی، سازمان ادوار تحکیم وحدت، نیروهای ملی مذهبی و برخی از شخصیت های مستقل در آن حضور یافته اند. در محورهای فعالیت این جبهه نکات درخشانی در احترام به آزادی، حقوق بشر، به خصوص حقوق زنان و همین طور جبهه ای برای صلح در جهان وجود دارد که نشان از باور حاضران در این جبهه به موفقیت جنبش هایی است که خود را با اندیشه جهانی به دنیا ارائه می کنند. به نظر می رسد این جبهه با استفاده از تجربه قبلی جبهه ملی، به حضور مستقل احزاب احترام گذاشته است. همین طور در حال حاضر گفته می شود که این جبهه کارکرد انتخاباتی ندارد. این حرف نیز سخنی صحیح است زیرا بحث و سخن از انتخابات به نظر می رسد این جبهه را از اهداف محوری خود دور سازد. نکات مبهم در منشور جبهه دموکراسی و حقوق بشر بسیار است و در بعضی مسائل پارادوکسیکال به نظر می رسد. باید توضیح داده شود منظور از حضور اسلام در عرصه عمومی و سیاست چیست و آیا این امر در تناقض با سخن پیشین نیست؟ از آن طرف جدایی نهاد علم از نهاد سیاست چه معنایی دارد؟ در حالی که سیاست خود امری علمی است و از ابعاد مختلف فلسفی، نظریه ای، حقوقی و... قابل تحلیل و بررسی است، این جدایی چه مفهومی دارد؟ همین طور در حالی که در یکی از محورهای این جبهه بر عدالت جنسیتی و احقاق حقوق زنان به عنوان حاملان دموکراسی، حقوق بشر، صلح و مدارا و رفع هرگونه تبعیض تاکید می شود، سئوال این است که تهیه کنندگان این منشور با چند گروه و یا سازمان غیردولتی فعال در حوزه زنان گفت وگو کرده اند و آیا نظرات آنها در تدوین این منشور لحاظ شده است؟ حقوق بشر بی تردید محوری ترین بخش نظری و عملی این جبهه را تشکیل می دهد، اما این جبهه در تدوین بندهای منشور آیا از حضور حقوقدان های فعال در این زمینه استفاده کرده است؟ این جبهه چه سیاست هایی در استفاده از پتانسیل جهانی و داخلی خانم شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل در نظر گرفته است؟ اینها تنها بخشی از موارد ابهامی است که به نظر نگارنده رسیده است و همین طور سئوالات بسیاری نیز به طور تخصصی تر از جانب نخبگان جامعه قابل طرح است. نکته مبهم دیگر این جبهه که شاید یکی از اهدافش ایجاد هماهنگی میان تمام نیروهای تحول خواه قانونی ایران باشد، مسئله عدم حضور بخش عمده ای از احزاب و نیروهای اصلاح طلب در آن است. در این بین جای خالی یکی از موثرترین گروه های اصلاح طلب یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به وضوح دیده می شود. پیشنهاد تشکیل این جبهه که در دیدار محمدرضا خاتمی، مصطفی تاج زاده و دکتر ابراهیم یزدی برای اولین بار طرح شد، در حقیقت پیشنهاد تاج زاده عضو سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. البته آقای سلامتی دبیر کل سازمان مجاهدین در مصاحبه اخیر با ایرانیوز می گویند: «این سازمان در آستانه انتخابات مشی اصلی خود را که حمایت از اقشار ضعیف و متوسط جامعه بود به فراموشی سپرد و شعارهای دموکراتیک سر داد که این مسئله در آرای کاندیدای مورد حمایت سازمان بی تاثیر نبود.» آیا این به معنای آن است که مسئله دموکراسی و حقوق بشر از نظر سازمان مجاهدین اولویت خاصی ندارد؟ نیروهای سکولار درون ایران نیز گروه دیگری از غایبان این جبهه هستند. این نیروها باید پاسخ دهند و البته پرسش کنند که چرا در این جبهه حضور ندارند و یا نباید حضور داشته باشند؟ امروز این نیروها در ایران بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند و بی گمان تحقق دموکراسی و حقوق بشر بدون آنها متصور نخواهد بود. مسائل قانونی و عرفی بسیار مانع از حضور تشکلی اسم و رسم دار به نمایندگی از این گروه ها است. آیا جبهه دموکراسی خواهی همان طور که در محورهای فعالیت خود از حقوق شهروندی و مدنی تمام ایرانیان سخن می گوید، به حقوق این بخش محذوف جامعه نیز نظر دارد؟ همین طور این نیروها نیز باید پاسخ دهند که آیا هیچ تلاشی برای گفت وگو با شخصیت های محوری این جبهه برای حضور در آن داشته اند؟ اگرچه گفته شده است، منشور نهایی جبهه دموکراسی خواهی تدوین شده و به نظر مراجع تقلید نیز رسیده است، اما این طرح هنوز بسیار خام است و اهداف مشخصی برای خود تعریف نکرده است. آقای دکتر معین که مسئولیت سنگین تشکیل این جبهه را بر عهده دارند، باید مشخص سازند، که تا چه حد در تحقق اهداف این جبهه جدی هستند. در ماه های گذشته از انتخابات، مطالب بسیار اندکی پیرامون محورها، اهداف و شیوه عمل این جبهه در مطبوعات منتشر شده است، به نظر می رسد در صورتی که ایشان به این کار خود ایمان و اعتقاد دارند، باید جدیت بیشتری به خرج دهند و بتوانند یک گفت وگوی مطبوعاتی نقاد پیرامون مسائل مربوط به این جبهه را آغاز کنند. سئوال پایانی این است که آیا این جبهه می تواند از تاریخ و تجربه ها درس بگیرد و نیروهای راستینی برای تعمیق گفت وگوی دموکراتیک و حقوق بشر در ایران ایجاد کند؟

خلاصه مقاله

۱- از آنجا که جبهه ملی سوم قائم به افرادی شد که اغلب آنها دوران بزرگسالی را طی می کردند، گردش نخبگان که نیاز به تشکیلات مدرن و قوی آموزشی داشت، رخ نداد و در این بین احزاب حاضر در این جبهه نیز آنچنان ضعیف شدند، که دیگر کمتر خاطره ای از آنها در ذهن ها باقی است.
۲- اگرچه گفته شده است، منشور نهایی جبهه دموکراسی خواهی تدوین شده و به تایید مراجع تقلید نیز رسیده است، اما این طرح هنوز بسیار خام است و اهداف مشخصی برای خود تعریف نکرده است. آقای دکتر معین که مسئولیت سنگین تشکیل این جبهه را بر عهده دارند، باید مشخص سازند، که تا چه حد در تحقق اهداف این جبهه جدی هستند.

نگاه

مدگرایی در عرصه سیاست

بیژن حاجی امیری

در کشور عزیزمان ایران اتفاقات جالب زیادی به وقوع می پیوندند. یکی از این اتفاقات جالب، مد شدن هر چیزی به صورت مقطعی است و در این اثنا سیاستمردان و سیاست زدگان و روشنفکران و روشنفکرمآبان از این قاعده مستثنی نیستند. زمانی بود در ایام گذشته که گرایشی به تفکرات مارکسیستی و توده و توده بازی مد بود. سپس همان افراد، همان اندیشه ها را نقد کرده و فرانکفورتی عمل می کردند. سپس گرایشات مذهبی انقلابی مد شد. بعدها، بد و بیراه گفتن به ابرقدرت ها و سپس آزادی افکار عمومی، اصلاحات، خصوصی سازی، دموکراسی و جامعه مدنی و... و «مان»ها شروع شدند؛ گفتمان، پرسمان، چیدمان و مان های دیگر از این قبیل تا اینکه به قبل از انتخابات اخیر ریاست جمهوری می رسیم. همان هایی که طی سال های گذشته سنگ اصلاحات را به سینه می زدند و سینه چاک می کردند، این بار در هیئت نقادان رادیکال پا به عرصه گذاشتند و بدون هیچ گونه آینده نگری، تا می توانستند نثار خاتمی و کارهایی که او توانست انجام بدهد و کارهایی که به هر دلیل نتوانست انجام دهد، کردند. به طوری که هر سوم شخصی این گونه برداشت می کرد که تنها مشکل این کشور شخصیتی است به نام خاتمی. و اینها مقارن با زمانی بود که امیر متوفی امارات گفت: «خاتمی امنیت را به منطقه ارمغان آورد و ما این را درک می کنیم.» عده ای هم مد گوشه عزلت گرفتن و تحریم انتخابات را گزینش فرمودند. و درست پس از انتخابات سکوت مد شد. گویی تازه متوجه شده اند که چه کار کرده اند. یک جمله شگفت آوری که تعریف و تفسیرش ممکن است چند جلد کتاب یا چند واحد درسی دانشگاهی را به خود اختصاص دهد، این روزها مد دولتمردان محترم کشورمان شده است؛ «کار کارشناسی». این کار، کار کارشناسی شده است، آن کار، کار کارشناسی شده است، روی این پروژه ساعت ها کار کارشناسی صورت گرفته است، روی این طرح یک کار کارشناسی قوی انجام شده است و... اما در این میان کسی نمی پرسد چرا پس از این همه کار کارشناسی که توسط کارشناسانی که نمی دانیم کیستند و کجایند، بر روی این طرح ها و پروژه ها صورت گرفته، هنوز شاهد بن بست ها و نواقصی در اجرای پروژه ها و طرح ها هستیم. با یک کار کارشناسی، نفت بر سر سفره مردم می آید و با یک کار کارشناسی جدید بوی بد نفت دلیل نبودن نفت بر سر سفره مردم می شود. با یک کار کارشناسی، رئیس فدراسیون والیبال جایگزین ریاست فدراسیون کشتی می شود. با یک کار کارشناسی شده دقیق، در سال جدید برخلاف دنیا ساعت ها جلو نمی روند و با یک کار کارشناسی دقیق دیگر قیمت چندقلم کالا برخلاف نظر اقتصاددانان ثابت می ماند و به صورت دستوری نرخ بهره سود بانکی باز برخلاف نظر اقتصاددانان و بانک مرکزی کاهش می یابد و با یک کار کارشناسی شده، موجودی صندوق ذخیره ارزی به سمت صفر سوق پیدا می کند و کارهای کارشناسی شده دیگری که قطعاً در آینده تکمیل خواهند شد. اما شاید این مقوله قابل توجه کارشناسان جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی قرار بگیرد تا به وسیله یک کار کارشناسی شده، بتوانند مفهوم کار کارشناسی را تعریف، تفسیر و یا مورد آسیب شناسی قرار داده و در اختیار جامعه روشنفکری بگذارند. تا این کارهای کارشناسی شده ظهور پیدا کردند، اوضاع سیاسی اقتصادی بین المللی این گونه علیه کشورمان چرخیدن گرفت. تا اوضاع سیاسی- اقتصادی- بین المللی آینده با کارهای کارشناسی شده جدید چگونه چرخش پیدا بکند، الله اعلم ولاغیر.

خبرها

نامه احمدی نژاد با نامه امام نسبتی ندارد

آفتاب: «احمد شیرزاد» عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت گفت: «الگوی ذهنی احمدی نژاد برای نوشتن نامه به رئیس جمهور آمریکا، نامه حضرت امام به «گورباچف» رهبر اتحاد جماهیر شوروی بوده است در صورتی که آن نامه در یک شرایط کاملاً متفاوت زمانی نگاشته شده بود.» وی در عین حال افزود: «امام خمینی یک رهبر سیاسی مذهبی و کاریزماتیک بودند که در یک شرایط خاص زمانی و مکانی آن نامه را به رشته تحریر درآوردند.» از سوی دیگر «محمدعلی ایازی» عضو مجمع مدرسین حوزه علمیه قم از مقایسه نامه احمدی نژاد با نامه امام خمینی به گورباچف انتقاد کرد. وی گفت: «امام(ره) در مقطعی این نامه را برای گورباچف نوشت که با کاریزمایی که داشت بیش از یک چهره سیاسی، یک شخصیت دینی به حساب می آمد و می توانست از موضع هدایتی با مسائل برخورد کند.» وی همچنین به موقعیت ایران در آن زمان پرداخت و گفت: «ما در مقطعی بودیم که ایران از نهایت قوت و مشروعیت مردمی برخوردار بود که حول شخصیت محبوب و جایگاه کاریزماتیک امام شکل گرفته بود. در آن مقطع این نامه نقش زیادی در روابط بین المللی داشت و کسی نمی توانست نامه را پس بفرستد و یا اعلام کند که پاسخی به آن نخواهد داد.» ایازی توسل به مقولات دینی را در این مقطع گمراه کننده خواند و توضیح داد: «آقای احمدی نژاد در حال حاضر به عنوان یک رئیس و چهره سیاسی مط